**١١٧ - مدّعی ناعق**

و نیز در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ : و الّذی یتکلّمُ بغیرِ ما نزّلَ فی الواحی انّه لیسَ منّی اِیّاکم اَنْ تتّبعوا کلَّ مدّعٍ اثیمٍ .

و در لوحی است قوله الاعلی : هر نفسی الیوم مدّعی امر شود و یا ادّعای باطن نماید او شیطان فئۀ حقّه بوده چنانچه بعضی نفوس در ظاهر بکلمۀ ناطق‌اند و در باطن بکلمۀ اخری مخالف کلمۀ ظاهر چنین نفسی منافق و کذّاب بوده و خواهد بود اهل بهاء نفوسی هستند که هر چه را مخالف ظاهر امر اللّه بینند او را باطل دانند باطن و باطن طائف حول این ظاهر است طوبی لنفسٍ وجدتْ عرفَ بیان و کانتْ من الرّاسخین .

و در لوحی دیگر قوله الاعلی : نفوس ملحده بسیار بوده و خواهند بود به خدا پناه برید از شر آن نفوس ، هر نفسی دعوی امری نماید او کاذب و مفتری لدی العرش مذکور است .

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز : ای ناطق به ثنای حق و بلبل گویای حق علیک بهاء اللّه و ثنائه در جمیع الواح الهی قیام ناعقین و ظهور شیاطین مذکور و مشهور هر نفسی از برای خویش وجودی بیند و خیال تمیّز و تفرّدی ، آن آثار نعاق است و علامت نفاق باید شؤون خود را فراموش کرد و در مقام فنای محض آمد والّا ملاحضۀ وجود عاقبت سبب شرک گردد و بادی کفر محض خضوع و خشوع و محو و فنا و اطاعت و انقیاد محبوب و مقبول و البهاء علیک .

و نیز از حضرت بهاءاللّه در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ : انّ الّذی یأوّل ما نزّل من سماء الوحی و یُخرجُه عن الظّاهر انّه ممّن حرّف کلمةَ الله العلیا و کانَ مِن الاخسرین فی کتابٍ مبین .

و در کتاب ایقان است قوله الاعلی : و این معلوم است که تأویل کلمات حمامات ازلیّه را جز هیاکل ازلیّه ادراک ننماید و نغمات ورقاء معنویّه را جز سامعۀ اهل بقا نشنود هرگز قبطی ظلم از شراب سبطی عدل نصیب ندارد و فرعون کفر از بیضای موسی اطلاع نیابد چنانچه میفرماید . و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم .

و در اثری به امضاء خادم است . و اینکه در فقرۀ تأویل که در کتاب اقدس از قلم اعلی نازل شده سؤال نمودید هذا ما نطقَ به لسانُ العظمة مقصود از تأویل آنکه خود را از ظاهر محروم نمایند و از مقصود محتجب مانند مثلاً اگر از سماء مشیّت فاغسلوا وجوهکم نازل شود تأویل ننمایند که مقصود از غسل غسل وجه باطن است و باید به آب عرفان او را غسل داد و طاهر نمود و امثال آن ، بسا میشود نفس باین تأویلات وجهش با کمال ذفر و وسخ آلوده میماند و به خیال خود به اصل امر اللّه عمل نموده و حال آنکه در این مقام واضح و معلوم است که شستن رو است به آب ظاهر بعضی کلمات الهی را میتوان تأویل نمود یعنی تأویلاتی که سبب و علّت ظنون و اوهام نشود ... بعضی از آن نفوس که خود را دراویش مینامند جمیع احکام و اوامر الهی را تأویل نموده‌اند اگر گفته شود صلوة از احکام محکم الهیّه است میگویند بمعنی دعا است و ما در حین تولد بدعا آمده‌ایم صلوة حقیقی را عمل نموده‌ایم ... آیاتی که در اوامر و نواهی الهی است مثل عبادات و دیات و جنایات و امثال آن مقصود عمل بظاهر آیات بوده و خواهد بود ولکن آیات الهی که در ذکر قیامت و ساعت و امثال آن چه در کتب قبل و چه در فرقان نازل شده اکثر مأوّل است و لا یعلم تأویله الّا اللّه .

و نیز فرمودند : و امّا در بارۀ تأویل و ادّعاء چنانچه مرقوم لا یعلمُ تأویلَ بیان اللّه الّا نفسه المهیمنة علی الاشیاء و الّذین فازوا بانوار المعانی و البیان من عنده اولئک یعلمون علی قدرهم و مقدارهم کذالک حَکَم الرّحمن و لکنّ النّاس اکثرهم لا یفقهون این قدر معلوم بوده که آنچه مقصود الهی است در الواح ظاهراً واضحاًمعلوم و واضح است و احدی به تأویل کلمات الهیّه مأمور نبوده و نخواهد بود نشهد انّ المأوّلین فی هذا الیوم هم المتوهّمون از خدا میطلبم که به حبل تصریح متمسّک شویم و در سبیل رضایش با استقامت کبری سالک گردیم و امّا در باره ادّعا درین مقامات بیانات شتّی از قلم مشیّت الهیّه نازل ولکن این عبد یکی از بیانات رحمن را که به لسان پارسی نازل شده ذکرمینماید تا از برای احدی دیگر مجال تأویل و ادّعا نماند و بما هو التّصریح عامل شود قوله عزّ اجلاله متوهّمین بسیارند و هر یک بوهمی مبتلا شده‌اند ناس را از موهوم منع نمودیم که به سلطان مشهود تمسّک جویند بعضی به اوهامات نفسانیّۀ خود تمسّک جسته و تشبّث نموده‌اند در تیه وهم سایرند و خود را از اهل مکاشفه دانسته‌اند در مفازۀ غفلت ماشی‌اند و خود را از فارِسین میادین شهود شمرده‌اند لعمری انّهم من المتوهّمین انّهم من الهائمین انّهم من الغافلین انّهم من الصّاغرین و آنچه را که صبیان ادراک نموده‌اند هنوز بآن نرسیده‌اند چه که هر صبیّی عالم است بر اینکه اگر هر روز ظهوری ظاهر شود اوامر الهیّه و احکام ربانیّه معطّل و معوّق و بی‌نفاذ خواهد ماند بگو ای قوم اگر هوی شما را از مشرق هدی منع نموده اقلّاً از انصاف تجاوز ننمائید اگر نفسی فی الجمله منصف باشد هرگز بکلمۀ که باعث تفریق ناس و احباب شود تکلّم نمینماید بلکه بتمام همّت و قدرت در ارتفاع اسم اعظم سعی بلیغ و جهد منیع مبذول میدارد لعَمری هُم راقِدون لَو تراهُم بعینِ اللّه هُم مِن المیّتین .

و قوله الاعلی : کلمۀ الهیّه را تأویل نکنید و از ظاهر آن محجوب نمانید چه که احدی بر تأویل مطّلع نه الّا اللّه و نفوسی که از ظاهر کلمات غافل‌اند و مدّعی عرفان معانی باطنیّه قسم به اسم اعظم که آن نفوس کاذب بوده و خواهند بود طوبی از برای نفوسی که ظاهر را عمل و باطن را آمل‌اند .

و از حضرت عبدالبهاء خطاب به قسیّس الفرد هیلز قوله العزیز : و اما نصوصی که از کتب مقدّسه اخراج نموده بودید آنچه بعلم صحیح و عقل و حکمت الهیّه مطابق آن نصوص بحسب ظواهر است و اما نصوص دیگر کلّ تأویل دارد تأویل مطابق عقل و علم و حکمت است .